

## بررسی بازنمایی استعاره مفهومی کرونا در رسانه‌های افغانستان (با تکیه بر تیتروهای کرونایی روزنامه ۸ صبح)

عبدالقیوم طیب<sup>۱</sup>

### چکیده

هدف اصلی مقاله حاضر تجزیه و تحلیل استعاره مفهومی کرونا در رسانه‌های افغانستان و نوع شناخت و تعبیر انسان از این مفهومی ناپدیدار بوده است. مفهوم انتزاعی کرونا در رسانه‌های افغانستان در ساختار چیزها و پدیده‌های مختلفی، چون: دشمن، انسان، گیاه و غیره بازنمایی زبانی شده است. در این مقاله از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. پرسش اصلی که بدان پاسخ داده شده، چگونگی بازنمایی و تعبیر مفهوم انتزاعی کرونا در رسانه‌های افغانستان مبتنی بر تیتروهای کرونایی (روزنامه ۸ صبح) می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که شایع‌ترین استعاره مفهومی کرونا در رسانه‌های افغانستان بویژه در تیتروهای کرونایی روزنامه ۸ صبح، استعاره مفهومی «کرونا دشمن است» می‌باشد. این استعاره یکی از جدیدترین و نیز اصلی‌ترین استعاره‌های مفهومی زبان پارسی در حوزه پزشکی به شمار می‌رود. استعاره مفهومی «کرونا دشمن است» از لحاظ گونه‌های استعاری، از جمله استعاره‌های ساختاری خوانده می‌شود که منظور از این گونه استعاره‌ها، بازنمایی یک مفهوم بر مبنای ساختار مفهوم دیگر است.

واژگان کلیدی: استعاره مفهومی، کرونا، رسانه‌های افغانستان، روزنامه هشت صبح

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی زبان و ادبیات فارسی دری، دانشگاه بدخشان dr.tayeb1388@gmail.com

## مقدمه

استعاره<sup>۱</sup> از بنیادی‌ترین مبحث‌های حوزه‌های فلسفه، ادبیات و زبان‌شناسی (معناشناسی‌شناختی) بشمار می‌رود. بر مبنای نظریه سنتی یا معیار، استعاره هنر سازه ادبی و عالی‌ترین ابزار تخیل و هنر پنداشته می‌شود و بصورت عادی در کنار آرایه‌های چون: مجاز، اطناب، تضاد، تأکید، اغراق، تشبیه و کنایه قرار می‌گیرد. اما استعاره در مفهوم جدید، تنها آرایه زیباشناسی و تزئینی نیست، بلکه موضوعی است که کل قلمرو ذهن را می‌نوردد. بر بنیاد نظریه معاصر، استعاره در بنیاد تفکر انسان قرار دارد و انسان بصورت استعاری می‌اندیشد و سخن می‌گوید. بصورت معمول، انسان بازنمایی‌های خاص استعاری دارد و هنگامی که با مفهوم‌های ذهنی و یا موجودهای ناپدیدار در مواجه قرار می‌گیرد، تلاش می‌کند که آن را از طریق مفاهیم تجربی، عینی و فرهنگی صورت‌بندی و قابل دسترس بسازد. بطور مثال، کرونا یک بیماری جدید و زود انتشاری است که می‌تواند به سرعت بسیار بلند از یک فرد به فرد دیگر انتقال کند، اما به چشم دیده نمی‌شود. ذهن انسان، این ویروس ناپدیدار را در ساختار چیزها و اشیای پدیدار و عینی بازنمایی زبانی می‌کند تا به دیگران قابل درک و فهم بوده باشد. این کار بگونه عمده از طریق استعاره‌های مفهومی صورت می‌گیرد. چون، وظیفه اساسی استعاره مفهومی بازنمایی یک موجود یا چیز انتزاعی در وجود یک موجود یا چیز فیزیکی و تجربی است. مبتنی بر این رویکرد، حوزه انتزاعی یا کم‌تر فیزیکی، حوزه هدف و حوزه فیزیکی یا بیشتر تجربی، حوزه مبدأ نامیده می‌شود. پس، در نظریه معاصر، هر استعاره متشکل از دو حوزه مبدأ و مقصد است.

۱۲۴

بررسی و مطالعه تیتراهای کرونایی روزنامه ۸ صبح نشان می‌دهد که در بازنمایی استعاره‌های مفهومی کرونا از چیزها و اشیای مختلف بعنوان مبدأ استفاده صورت گرفته است. بکارگیری از چیزهای بیشتر فیزیکی در بازنمایی ویروس کرونا به معنای آن است که انسان درصدد آن است که این مفهوم انتزاعی را هرچه بهتر و خوب‌تر برای عام مردم قابل فهم و شناخت بسازند. بنابراین، ما در تیتراهای کرونای روزنامه ۸ صبح با جمله‌های استعاری مختلف و گوناگون روبرو هستیم که بازتاب دهنده و معرف بیماری کرونا از طریق ساختارهای به شدت فیزیکی است.

انتشار سریع و کشنده بیماری کرونا، چالش‌های فراوان، بازرگانی، آموزشی، سیاحتی، روانی و اقتصادی را در جهان به بار آورده است. انسان‌های زیادی به اثر مبتلا شدن بدین بیماری جان‌های‌شان را از دست دادند. با وجود اینکه برای توقف و جلوگیری از انتشار این بیماری واکسن‌ها و داروهای متعددی تهیه شده است، اما این واکسن‌ها و داروها تاکنون نتوانسته است که جلو انتشار و کشتار بیماری مذکور را بگیرد. هنوز، انسان‌های زیادی در سراسر دنیا روزانه به این ویروس آلوده می‌شوند و جان می‌بازند. لذا، دانشمندان و پژوهنده‌گان حوزه‌های مختلف علمی و آکادمیک درباره شناسایی این مسأله، پژوهش‌ها و مطالعه‌های گسترده انجام داده‌اند

<sup>1</sup> Metaphor

تا بتوانند بشر را از چنگال آن رهایی بخشند. اما جای بررسی و تحلیل ویروس کرونا از نظر معناشناختی تاکنون بعنوان یک مسأله علمی و حیاتی خالی بوده است. این مسأله از دیدگاه زبان‌شناختی خیلی مهم است و ما تلاش می‌کنیم که آن را در چارچوب «نظریه استعاره مفهومی» بررسی و تحلیل نمائیم. نظریه استعاره مفهومی برای نخستین در سال (۱۹۸۰) بواسطه لیکاف و جانسون مطرح شد. این نظریه، مانند نظریه معیار، استعاره را تنها هنر سازه زبانی و عالی‌ترین وسیله ایجاد تخیل و هنر نمی‌داند، بلکه، مبتنی بر این رویکرد، استعاره سازنده اندیشه و تفکر بوده و زبان روزمره ما پر از استعاره‌ها است.

هدف اصلی ما، از این کار کشف و دریافت استعاره‌های مفهومی کرونا در تیتراهای کرونایی روزنامه ۸ صبح و تحلیل و تعبیر آن‌ها از طریق ساختارهای فیزیکی بوده است. برای دست یافتن به چنین هدفی، ما روش توصیفی-تحلیلی را در این پژوهش در پیش گرفته‌ایم. شیوه کار ما طوری صورت‌بندی شده است که نخست هر روز، نسخه جدید از روزنامه ۸ صبح را دریافت و آن را مطالعه و تیتراهای کرونایی آن را یادداشت‌برداری نمودیم و سپس به تحلیل آن‌ها پرداختیم. اساسی‌ترین پرسشی که در این مقاله پاسخ داده شده است، چگونگی بازنمایی زبانی مفهوم انتزاعی کرونا در ساختار چیزها و موجودهای تجربی و عینی بوده است.

هدف اصلی این پژوهش کشف و دریافت استعاره‌های مفهومی کرونا در جمله‌ها و بندهای استعاری تیتراهای روزنامه ۸ صبح و تحلیل آن‌ها بر بنیاد تناظرهای هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی عنصرهای میان‌حوزه‌ای و هدف جزئی آن، درک و دریافت نوع تعبیرها و بازنمایی‌های استعاره‌های مفهومی کرونا از طریق ساختارهای فیزیکی و عینی می‌باشد.

استعاره‌های مفهومی کرونا در رسانه‌های افغانستان، از چند لحاظ دارای اهمیت بنیادین است: (۱) نشان می‌دهد که انسان چگونه یک مفهوم انتزاعی را در وجود چیزهای عینی قابل دسترس می‌سازد، (۲) موضوع بکر و تازه بوده و تا حال کسی در اینباره پژوهشی انجام نداده است، (۳) یک پژوهشی میان‌رشته‌ای است؛ بدین معنا که در تحلیل آن از «نظریه استعاره مفهومی» که یک نظریه زبان‌شناسی جدید است، استفاده شده است و (۴) نشان می‌دهد که با کارگیری از نظریه‌های زبان‌شناسی می‌تواند مفهومی‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، سیاسی را تجزیه و تحلیل نمود.

## ۱- پیشینه تحقیق

«نظریه استعاره مفهومی» با انتشار کتاب دوران ساز «استعاره‌های که ما با آن زندگی می‌کنیم» اثر لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) مطرح شد. پس از آن درباره «استعاره مفهومی» پژوهش‌های فراوانی هم در زبان پارسی و هم در دیگر زبان‌ها (به‌خصوص در زبان‌های انگلیسی و فرانسوی) صورت گرفته است که این پژوهش یکی از

آن‌ها به شمار می‌رود. هرچند این پژوهش از نظر زمان، مکان، موضوع و محتوا بگونه کلی جدید و بکر بوده و با پژوهش‌های پیش از خود تفاوت‌های بنیادی دارد؛ اما از نظر روش کار با برخی از تحقیق‌های قبلی همگون به نظر می‌نماید. بنابراین، ما در این پیشینه بگونه فشرده از چند پژوهشی نام می‌بریم که از دید روش‌شناسی و شیوه کار با مقاله حاضر همسان است. یکی از آن پژوهش‌ها «استعاره شناختی عشق در مثنوی مولانا» (۱۳۹۷)، اثری داود اسپرهم، استاد دانشگاه علامه طباطبائی و سمیه تصدیقی دانشجوی دکتری این دانشگاه بوده است. آنان در مقاله خویش استعاره‌های «عشق» در مثنوی مولانا را بلخی را بررسی نموده‌اند. هدف اساسی کار آن‌ها، نشان دادن استعاره‌های کانونی و اصلی عشق در مثنوی و کشف دیدگاه مولانا درباره عشق بوده است. اسپرهم و تصدیقی این استعاره‌ها را از نظر ساختمان و درونمایه در چهار دسته بازنمایی کرده‌اند: (۱) استعاره‌های که تصویری مثبت از عشق را ارائه می‌دهند، (۲) استعاره‌های که مواصفات منفی عشق را برجسته نموده‌اند، (۳) استعاره‌های که دو پهلویی‌اند و (۴) استعاره‌های که از نظر مفهومی خنثی به نظر می‌رسند. افزون بر این اثر، «بررسی استعاره مفهومی زندگی در اشعار فروغ فرخزاد از دیدگاه شناختی» پژوهشی دیگری است که خدابخش اسداللهی و مهدی عبدی در این حوزه انجام داده‌اند. یافته‌های این اثر حاکی از آن است که در شعر فروغ فرخزاد مفاهیم انتزاعی بطور اغلب زاییده ذهن و زبان او است که در قالب استعاره مفهومی بازنمایی زبانی شده است. همچنان «تحلیل شناختی استعاره مفهومی «جمال» در مثنوی و دیوان شمس» (۱۳۹۵)، از این دست کارها به شمار می‌رود که ذوالفقار غلامی و طاهره کریمی با رویکرد لیکاف و جانسون آن را نگاهشته‌اند. ایشان در این اثر نشان داده‌اند که بن‌مایه استعاره مفهومی جمال در گفتمان کلامی، براساس نظریه «رؤیت» است و از این طریق دریافتند که «خداوند دیدنی است». چنانکه مولانا، جمال حق را در خرده‌استعاره‌های حسن، یوسف، جهان، انسان کامل، آفتاب و خوراکه به تصویر کشیده و خدا را دیدنی اثبات نموده است. افزون بر این‌ها، «بررسی نقش استعاره در گفتمان خبری رسانه‌ای بین‌الملل» (۱۳۹۴)، از دیگر پژوهش‌های است که از نظر روش تحقیق با کار حاضر همگونی دارد. نگارندگان، در این مقاله درصد نشان دادن نقش استعاره در گفتمان خبری رسانه‌های بین‌المللی و کارکرد انسجام بخش آن‌ها در گفتمان‌های سیاسی بوده‌اند. هدف اصلی آنان بررسی راهکارهای عملی استعاره‌ها در تولید متن‌های خبری بوده است. آن‌ها تصریح نمودند که در ساحت زندگی از تفکر استعاری نمی‌تواند دوری گزید به خصوص در حوزه پیچیده سیاست خارجی. همچنان پژوهش‌ها و مقاله‌های دیگری از این دست در بیرون از افغانستان به زبان پارسی و زبان‌های خارجی صورت گرفته است که از نظر روش کار و روش‌شناسی پژوهش با مقاله حاضر همسانی‌هایی دارد و ما در اینجا از ذکر آن‌ها صرف‌نظر نموده‌ایم.

اما پژوهش حاضر از نظر داده‌ها و محتوا به اضافه قلمرو مکانی و زمانی، از پژوهش‌های پیش از خود بطور کلی متفاوت است. زیرا این اثر، به بررسی و تحلیل استعاره‌های مفهومی «کرونا» در رسانه‌های افغانستان بر بنیاد

«نظریه استعاره مفهومی» پرداخته است که چنین موضوعی بدین کار شیوه و محتوا، تا هنوز نه در زبان پارسی و تا آنجا که ما اطلاع داریم نه در زبان انگلیسی صورت پذیرفته است. این درحالی است که پس از معرفی «نظریه استعاره مفهومی» توسط لیکاف و جانسون، پژوهش‌های زیادی در حوزه‌های مختلف علمی و ادبی در محدوده‌ی کشورها و زبان‌های گوناگون جهان انجام یافته است؛ اما جای این دست پژوهش‌ها تاکنون در کشور ما بصورت کلی خالی بوده است. بنابراین، پژوهش حاضر کاری است تازه و میان رشته‌ای و نیز متمایز از پژوهش‌های سلف خویش. در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. مبتنی بر این روش، کار نخست ما گردآوری، مطالعه و تحلیل تیرهای کرونایی «روزنامه ۸ صبح» بوده است. بدین معنا که ما برای کشف و تحلیل استعاره‌های مفهومی «کرونا»؛ (۵۰) نسخه از انتشارات «روزنامه ۸ صبح» را معیار قرار داده و سپس جمله‌ها و بندهای استعاری تیرهای کرونایی آن را براساس «نظریه استعاره مفهومی» تحلیل و تجزیه نموده‌ایم. در تحلیل و تبیین استعاره‌های مفهومی «کرونا»، الگوی کاری ما، تا حدود روش کار «طیب» در اثر «تحلیل استعاره‌های مفهومی «جنگ» و «صلح» در سپهر گفتمان‌های رقیب: جمهوریت و امارت» است. بدین معنا که ما، در تحلیل استعاره‌های مفهومی «کرونا» از بررسی عنصرهای متناظر یا نگاشت‌های میان‌حوزه‌ای استفاده نموده‌ایم.

## ۲- مبانی نظری تحقیق

«نظریه استعاره مفهومی» از بنیادی‌ترین مباحث «معنی‌شناسی شناختی» است. مبتنی بر این رویکرد، استعاره تنها هنر سازه ادبی یا ساختار خاص زبان هنری نیست، بلکه قلمرو اندیشه و زندگی انسان بصورت اغلب استعاری است. استعاره مفهومی با انتشار کتاب «استعاره‌های که ما با آن زندگی می‌کنیم» اثر جرج لیکاف (زبان‌شناس) و مارک جانسون (فیلسوف) در سال (۱۹۸۰) مطرح شد. هرچند پیش از لیکاف و جانسون، مایکل ردی اظهار کرده بود که کانون استعاره، اندیشه و تفکر انسانی است. اما لیکاف و جانسون این دیدگاه را انکشاف داد و نظریه کلاسیک استعاره را که بیشتر از دو هزار سال یعنی از زمان ارسطو تا اواخر سده بیستم از مباحث اساسی علوم بلاغت، شعر و ادبیات به حساب می‌رفت و تنها در کانون زبان ادبی مورد توجه قرار داشت، از بیناد زیر سوال بردند و نشان دادند که استعاره در سراسر زندگی حضور فراگیر و پررنگ دارد. استعاره در نگرش معیار نوعی جانمایی معنایی برحسب تشابه است. مبتنی بر این رویکرد، «مشبهه» جانشین «مشبه» می‌شود؛ یعنی انتخاب یک نشانه زبان به جای نشانه‌ای دیگر برحسب تشابه می‌باشد (رشیدی، ۱۳۹۵: ۲۵). اما «از منظر شناختی، استعاره اساس زبان و سازنده معنا و اندیشه است. استعاره در این نگرگاه نه دروغ است و نه انگل و سربرار زبان؛ بلکه فرایندی است که بطور طبیعی در زبان رخ می‌دهد و تقویت کننده شالوده

تجربه است. در نگاه استعاره‌شناسان معاصر، استعاره یک ضرورت سبکی برای ارتقای بیان و تزئین کلام یا یک ابزار زیبایی‌شناختی ادبی صرف شمرده نمی‌شود؛ بلکه امری است که همه زندگی را زیر سیطره خود دارد؛ از دید آنان انسان فقط به شیوه استعاری می‌اندیشد و با استعاره‌ها زنده‌گی می‌کند» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۳۲۴). استعاره از این لحاظ «ذات زبان است و اگر نباشد، زبان هم نیست» (داوری اردکانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷). مطابق این رهیافت استعاره تنها ابزار تخیل شاعرانه یا ادیبانه و از ویژگی‌های منحصر به فرد زبان و سبک ادبی نیست؛ افزون بر آن نظام مفهومی ما نیز استعاری است. این نظام مفهومی در واقع «عملکردهای روزانه ما را تا عادی‌ترین جزئیات آن کنترل و هدایت می‌کند. مفاهیم ما، ساختار آن‌چه را که درک می‌کنیم شکل می‌دهد و چگونگی حرکت ما در جهان و رابطه‌مان با دیگران را تعیین می‌کند. بنابراین، نظامی مفهومی ما نقش اساسی در تعیین واقعیت‌های روزمره دارد. اگر این پیشنهاد که نظام مفهومی به شدت استعاری است، صحیح باشد؛ پس شیوه اندیشیدن ما و آنچه تجربه می‌کنیم و آنچه هرروز انجام می‌دهیم نیز بسیار استعاری است. اما نظام مفهومی مزبور چیزی نیست که بطور معمول از آن آگاهی داشته باشیم. در بسیاری از فعالیت‌های جزئی که هر روز انجام می‌دهیم، کمابیش به شکل خودکار براساس الگوهای مشخصی می‌اندیشیم و عمل می‌کنیم. اینکه این الگوها بطور دقیق چه هستند؟ به هیچ وجه روشن نیست. اما بررسی زبان یکی از راه‌های شناخت این الگوها می‌تواند تلقی شود. از آنجا که ارتباط براساس همان نظام مفهومی دخیل در اندیشیدن و عمل کردن شکل می‌گیرد، زبان گنجینه مهم از شواهدی است که چگونگی این نظام را نشان می‌دهد (ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۱۴-۱۳).

۱۲۸

زبان به طریق اولی، یگانه رسانه بازنمایی مفاهیم ذهنی و امور ناپدیدار است و در این رسانه (زبان) استعاره ابزاری است که شکاف میان مفاهیم انتزاعی و درون‌ذهنی را با جهان نمودها وصل می‌نماید. «جوهر و اساس استعاره درک کردن و تجربه نمودن «چیزی» به اساس «چیزی دیگری» است» (ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۱۶). حوزه‌ای از تجربه که برای درک حوزه دیگر بکار می‌رود از حوزه‌ای که می‌خواهیم آن را درک کنیم بگونه فیزیکی‌تر، تجربه آن مستقیم‌تر و شناخته شده‌تر است؛ اما حوزه دومی به نوعی انتزاعی‌تر، تجربه آن غیرمستقیم‌تر و کم‌تر شناخته شده است. حوزه فیزیکی‌تر و عینی‌تر حوزه مبدأ و حوزه انتزاعی‌تر حوزه هدف نامیده می‌شود (کوچش، ۱۳۹۸: ۱۴). به مثال‌های ذیل نگاه کنید:

- کرونا مردم ما را تهدید می‌کند.
- ما هرگز به کرونا تسلیم نمی‌شویم.
- ما کرونا را شکست می‌دهیم.
- افغانستان در برابر کرونا مبارزه جدی را در پیش گرفته است.
- مردم افغانستان هیچ‌گونه امکاناتی برای جلوگیری از تهدید کرونا ندارند.

- جهان میلیون‌ها دلار برای مهار نمودن حملات کرونا، به افغانستان کمک نموده است.

- کرونا امنیت ملی ما را تهدید می‌کند.

- اوضاع کرونای در افغانستان تحت مدیریت است و ...

در جمله‌های استعاری فوق مفهوم ناپدیدار کرونا در ساختار یک موجود زنده و تجربی که سر دشمنی را با مردم و جهان در پیش گرفته، قابل دسترس ساخته شده است. جمله‌های استعاری مذکور همه یادآرو استعاره مفهومی «کرونا دشمن است» می‌باشد. چنانکه، این بیماری به مانند دشمن، انسان را تهدید می‌کند، امنیت‌اش را مختل می‌نماید، حمله می‌کند، آسیب می‌رساند، قربانی می‌گیرد، به اقتصاد و آموزش ضربه می‌زند، وضعیت سیاسی را به چالش روبرو می‌سازد، به کسی رحم نمی‌کند و غیره. این‌ها در واقع تناظرهای اند که بصورت گسترده در مفهوم کرونا قابل دید است. مبتنی بر چنین تناظرها است که ما یک مفهوم ذهنی و غیرتجربی چون «کرونا» را در ساختار یک موجود زنده (دشمن) بازنمایی زبانی می‌نمائیم و برای آن استراتژی نبرد طرح‌ریزی می‌کنیم که بر مبنای آن بتوانیم به مواضع دشمن یورش بریم و برایش مجال ندهیم که به مردم و کشور ما آسیب برساند. برای این کار به تمام مردم اعلام می‌داریم که توصیه‌های بهداشتی را در نظر بگیرند، ماسک بپوشند و به جاهای پرآلوده نروند.

در چنین نبردی، پزشکان در واقع سربازان خط مقدم جبهه نبرداند که با پوشیدن لباس ایمنی به جنگ کرونا می‌روند تا دشمن نامرئی انسان را شکست بدهند و مردم را از آلوده شدن به آن نجات بدهند. دیده می‌شود<sup>۱۲۹</sup> که در این‌جا یک مفهوم انتزاعی و مجرد (کرونا) به اساس یک مفهوم تجربی (دشمن) صورت‌بندی شده است. پس می‌توان نتیجه گرفت که استعاره تنها ابزار تخیلی و از ویژگی مخصوص زبان ادبی نیست، اضافه بر آن، در زندگی روزمره ما بصورت طبیعی و بگونه گسترده جریان دارد. زیرا، مفهوم‌ها مال ذهن هستند و نظام مفهومی ذهن تا حدود قابل توجهی استعاری است. استعاره‌ها بعنوان ابزاری جهت ارتباط، میان دو اندیشه مختلف در ذهن عمل می‌کنند. با این حال زبان‌شناسان به دنبال کشف نحوه کنش‌های استعاری در ذهن از طریق بازنمودهای زبانی آن می‌باشد. آن‌ها الگوهای موجود در ساختار مفهومی واژه‌ها و عبارتهای استعاری را بعنوان شاهد جهت وجود استعاره‌های مفهومی نهفته در ذهن می‌دانند. چنان‌که، استین<sup>۱</sup>، استعاره‌های نهفته در ذهن را «استعاره‌های مفهومی» و نمودهای زبانی آن‌ها را «استعاره‌های زبانی» (تجربی) می‌نامد (افراشی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۴). منظور از «استعاره زبانی» عبارتهای زبانی (واژه‌ها، عبارتهای جمله‌ها) می‌باشد. اما مقصود از «استعاره مفهومی» نگاشت متقاطع<sup>۲</sup> حوزه‌ها در نظام مفهومی است (چارتریس - بلک، ۱۳۹۸: ۲۴).

<sup>1</sup> Steen

<sup>2</sup> Cross- domain mapping

طوری که در مثال بالا نشان داده شد استعاره‌های زبانی باز نمود استعاره‌های ذهنی (مفهومی) هستند. لذا، استعاره‌های مفهومی هنگامی معنادار هستند که در ذهن زمینه‌سازی شده باشند. استعاره‌ها هنگامی زمینه‌سازی می‌شوند که نخست در حوزه منبع (حسی- حرکتی) «بدن‌مند» شده باشند و دوم اینکه در نتیجه بدن‌مند شدن، حوزه‌های منبع و هدف در استعاره‌های بنیادی بکار رفته باشند (نیلی‌پور، ۱۳۹۸: ۱۳۴).

استعاره دو بخش مفقوده متفاوت از بافت‌های مختلف را در معنای ساده کنار هم قرار می‌دهد، از این رو ما با انتقال ساده واژه‌ها سروکار نداریم، بلکه با تعامل بین افکار و بافت‌ها سروکار داریم (اسلامی، ۱۳۹۷: ۱۷). به قول لیکاف «استعاره یک منبع «آمیزه»<sup>۱</sup> است که در آن ویژگی‌های گزینشی دو مفهوم باهم ترکیب می‌شوند و مفهوم سومی را تشکیل می‌دهد.» (لانگاکر، ۱۳۹۷: ۶۹). نظریه استعاره مفهومی پس از کشف شبکه‌های نورونی آینه‌ای<sup>۲</sup> در کانون توجه اندیشمندان قرار گرفت، چون شواهد تجربی قابل استنادی برای مطالعه استعاره مفهومی بدست داد. لیکاف (۲۰۰۹) می‌گوید انقلاب عصب‌شناختی در علم شناخت، دریافت متخصصان را از مغز و ذهن محتول کرده است. در این رویداد علمی مهم، نظریه استعاره مفهومی نیز جایگاه کانونی داشته است (افرايشی، ۱۳۹۷: ۱). استعاره‌های مفهومی مجموعه‌هایی از نورون‌ها در بخش‌های مختلف مغز هستند که با مدارهای نورونی با هم وصل می‌شوند. این مجموعه‌ها که در بخش‌های مختلف مغز واقع‌اند، حوزه مبدأ و هدف هستند و مدارهای نورونی فیزیکی که آن‌ها را به هم وصل می‌کنند، نگاشت‌ها نامیده می‌شوند. این مدل به ما امکان می‌دهد تا استعاره را یک ساختار فیزیکی (یا نورونی) در مغز خود تعبیر کنیم. یادگیری یک استعاره به این معنا است که میان بخش‌های مختلف مغز ارتباط‌های نورونی مناسب «بکار گرفته شده» است. برای نمونه، فعال‌سازی مکرر و هم‌زمان نورونی حوزه (ناحیه) عاطفه و حوزه (ناحیه) دما در دوران کودکی و سپس در زندگی منجر به تثبیت مدارهای نورونی مناسب میان این دو حوزه می‌شود و بعنوان یک مورد، استعاره «عاطفه گرم‌است» را تولید می‌کند. اکنون این پرسش پیش می‌آید که این دو حوزه در کجای مغز قرار دارد؟ مطابق این الگوی پژوهشی، حوزه مبدأ در نظام حسی- حرکتی و حوزه هدف در نواحی قشر بالاتر جای دارند. پس حوزه مبدأ در واقع حوزه‌ای است فیزیکی‌تر و عینی‌تر و حوزه هدف کم‌تر فیزیکی‌تر و عینی‌تر (کوچش، ۱۳۹۵: ۲۰۲). استعاره‌ها از یک واژه یا عبارت ساخته نمی‌شوند، بلکه به تعبیر لیکاف، استعاره از شباهت (تناظر) هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی میان دو حوزه مبدأ و هدف پیدا می‌شوند.

لیکاف اعتقاد دارد که چهار تصور نادرست در سنت فکری غرب راجع به استعاره وجود داشته است: (۱) استعاره درباره واژه‌ها است نه مفاهیم؛ (۲) استعاره مبتنی بر تشابه است؛ (۳) همه مفاهیم دارای معنای تحت‌اللفظی‌اند نه استعاری و (۴) اندیشه عقلانی به اساس طبیعت مغز و بدن‌مندی شکل نیافته است. اما پژوهش‌های شناختی

<sup>1</sup> Blending

<sup>2</sup> Mirror Nneurons



نشان داده است که هیچ یک از این تصورها درست نیست. بنابراین، وی اظهار می‌دارد که: (۱) کانون استعاره مفاهیم است نه واژگان؛ (۲) استعاره با توجه به ارتباط بین حوزه‌های تجاربی ما شکل می‌گیرد، پس بصورت کلی مبتنی بر تشابه نیست. (۳) اساسی‌ترین مفاهیم زمان، رخدادها، علیت، اخلاق و ذهن بواسطه استعاره فهمیده می‌شود و (۴) ساختار استعاره‌های مفهومی امری دلخواهانه یا از لحاظ تاریخی تصادفی نیست؛ بلکه مطابق روش‌های مشترک زندگی روزمره و طبیعت معمول صورت‌بندی شده است (خادم‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۰). بصورت کلی آرای کلیدی لیکاف و جانسون را درباره «نظریه استعاره مفهومی» چنین می‌توان فشرده نمود:

- استعاره‌ها بطور اساسی، طبیعت مفهومی دارند.

- استعاره‌های مفهومی، ریشه در تجربیات هر روزه ما دارند.

- اندیشه انتزاعی بصورت کامل استعاری است.

- استعاره سازکار مهمی است که از طریق آن مفاهیم انتزاعی را درک و درباره آن‌ها استدلال می‌کنیم.

- استعاره‌های زبانی یا تجربی فقط ظهور سطحی استعاره‌های مفهومی‌اند.

- استعاره، ما را قادر می‌سازد تا موضوع انتزاعی یا ناپدیدار را مبتنی بر یک شیء فیزیکی بازنمایی زبانی نمائیم

(Lakoff, 1993: 232).

## ۲-۱- بازنمایی استعاره‌های مفهومی کرونا در رسانه‌های افغانستان

بررسی و مطالعه متن‌های تولید یافته در سپهر رسانه‌های افغانستان حاکی از آن است که مفهوم انتزاعی «کرونا» در ساختار چیزها و جسم‌های مختلف بازنمایی زبانی شده است. بدین معنا که «کرونا» به مثابه یک مفهوم غیرتجربی در وجود چیزهای دیگری که صورت و ساختار فیزیکی دارند، قابل دسترس ساخته شده است. اساسی‌ترین، منابع و ساختارهای که مفهوم «کرونا» در رسانه‌های افغانستان بر بنیاد آن‌ها درک شده است، مفهوم‌های تجربی: «دشمن» «گیاه» و «موجود زنده» بوده است. چنان‌که می‌گوئیم: «مبارزه با کرونا»، «تهدید کرونا»، «خطر کرونا»، «حمله کرونا»، «دشمنی کرونا»، «جلوگیری از کرونا»، «دهشت کرونا»، «ترس از کرونا»، «خشم کرونا»، «رویاروی با کرونا»، «شکست کرونا»، «شوخی با کرونا»، «ظرفیت کرونا»، «سرعت انتشار کرونا» و «بسیج ملی در برابر کرونا» که همه دلالت به استعاره مفهومی «کرونا دشمن است» دارند. مفهوم فیزیکی و تجربی «دشمن» در رسانه‌های افغانستان یکی از مبداهای اصلی بشمار می‌رود که کارگزاران بهداشت و اصحاب رسانه‌ها بگونه گسترده در جریان گفتگوها و بحث‌های پزشکی‌شان از آن برای قابل دسترس نمودن مفهوم انتزاعی «کرونا» استفاده نموده‌اند. اما پاره‌ها و ترکیب‌های استعاری، چون: «در سایه کرونا»، «ریشه‌های کرونا»، «گسترش کرونا» و «گونه‌های کرونا» اشاره به استعاره مفهومی «کرونا گیاه/ درخت است» می‌نماید. پدیده تجربی گیاه/ درخت نیز از اساسی‌ترین مبداهای فیزیکی است که بگونه گسترده پزشکان و

آگاهان امور برای بازنمایی مفهومی ناپدیدار کرونا از آن کار گرفته‌اند. به همین‌سان، استفاده از جمله‌ها ترکیب‌های استعاری، چون: «مرحله کودکی کرونا»، «پایان عمر کرونا»، «گردش کرونا»، «خوراک اصلی کرونا»، «حیات کرونا»، «مرگ کرونا»، «فرار از کرونا»، «غلبه کرونا»، «آشنایی با کرونا»، «ترس از کرونا»، «موجودیت کرونا» و «اقتدار کرونا» و غیره؛ مفهوم «کرونا» را در ساختار یک موجود زنده قابل دسترس ساخته است که استعاره مفهومی «کرونا موجود زنده است» بر بنیاد آن‌ها شکل می‌یابد. افزون بر این سه مبدأ؛ منابع دیگری نیز در بازنمایی و قابل دسترس ساختن مفهومی ذهنی کرونا در رسانه‌های افغانستان نقش سازنده داشته است. اما اصلی‌ترین مبدأ که در رسانه‌های افغانستان برای تجربی کردن و قابل دسترس ساختن مفهوم انتزاعی کرونا استفاده شده، مفهوم تجربی «دشمن» است. یعنی، پزشکان، اهالی رسانه‌ها، پژوهنده‌گان و آگاهان بهداشتی (مفهوم‌سازان) بصورت گسترده در بازنمایی مفهوم انتزاعی کرونا از ساختار عینی «دشمن» کار گرفته‌اند که این موضوع در مبحث ۲ بگونه مفصل بررسی و تحلیل شده است.

به هر حال، آنچه ما را در تحلیل استعاره‌های مفهومی کرونا بر بنیاد تیتراهای روزنامه ۸ صبح کمک می‌نماید؛ توجه به عنصرهای میان حوزه‌ای (نگاشت‌ها) است. چون، از نظر لیکاف استعاره مفهومی می‌تواند همچو یک «نگاشت» از حوزه مبدأ برای درک حوزه هدف یا مقصد فهمیده شود (Lakoff, 1992: 4). استعاره مفهومی در حقیقت فرایند فهم و تجربه حوزه (الف) به کمک پدیده‌ها و اصطلاحات متعلق به حوزه (ب) است. لیکاف و جانسون در توضیح استعاره مفهومی، از صورت‌بندی «حوزه هدف حوزه مبدأ» استفاده کرده است. برای مثال، استعاره مفهومی «کرونا دشمن است» را نمونه‌ای از این صورت‌بندی می‌توان انگاشت؛ یعنی ابتدا حوزه هدف (که در واقع می‌خواهیم درباره آن صحبت کنیم) بیان می‌گردد، سپس حوزه مبدأ (که براساس آن به ویژگی‌های حوزه هدف اشاره می‌شود) آورده می‌شود. در اینجا حوزه‌های «دشمن» و «کرونا» مشابه‌اند و در نتیجه، اجزاء آن‌ها نیز شبیه به هم بوده و قابل جایگزینی می‌باشند. آنان رابطه بین این دو حوزه را استعاره مفهومی نامیده‌اند. این ارتباط فقط در سطح زبان نیست؛ بلکه در سطح شناخت، یا ادراک مفهومی قرار دارد. بعبارتی، ما فقط بصورت استعاری حرف نمی‌زنیم؛ بلکه بصورت استعاری فکر می‌کنیم و عبارتهای استعاری که در زبان بروز می‌یابند، بازتاب دهنده ساختار فکری ما هستند. به باور «اونگر» و «اشمیت»، در «نگاشت» از یک حوزه به حوزه دیگر؛ تمام جزئیات حوزه‌های مذکور حضور دارند و می‌توان ارتباط آن‌ها را به خوبی نشان داد.

## ۲-۲- تحلیل استعاره مفهومی «کرونا دشمن است» بر مبنای تیتراهای روزنامه ۸ صبح

روزنامه ۸ صبح یکی از رسانه‌های چاپی پرخواننده افغانستان بشمار می‌رود که هر روز ساعت ۸ صبح موضوع‌ها و مسائل مهم سیاسی، فرهنگی، بهداشتی، آموزشی، اقتصادی و اجتماعی را به نشر می‌رساند. جامعه آماری

این پژوهش استوار به تیتراهای کرونایی این روزنامه است. پژوهنده باتوجه به اهمیت موضوع، از روزی که بیماری کرونا در بهار (۱۳۹۹) در استان هرات افغانستان شیوع پیدا کرد، شروع به گردآوری آن دسته از نسخه‌های از این روزنامه نمود که تیتراهای آن از جمله‌ها و ترکیب‌های استعاری تشکیل یافته بود. چنان‌که نویسنده در شش ماه نخست شیوع این ویروس موفق به دریافت (۵۰) نسخه از روزنامه مذکور شد که تیتراهی آن بازتابنده استعاره مفهومی کرونا بوده است. تیتراهی دریافت شده، مفهوم انتزاعی کرونا را در ساختار و وجود چیزهای مختلف مانند: «گیاه»، «موجود زنده»، «دشمن» و غیره بازنمایی زبانی نموده است، اما مفهوم تجربی «دشمن» بنیادی‌ترین مبدأ به شمار می‌رود که مفهوم انتزاعی «کرونا» بر بنیاد آن درک و تعبیر شده است. به پاره‌ها و جمله‌های ذیل که سازنده تیتراهی کرونایی روزنامه ۸ صبح است نگاه می‌کنیم:

- کرونا خشمگین است (۳۳۲۸).
- کرونا امنیت ملی ما را تهدید می‌کند (۳۳۳۸).
- رویاروی با کرونا با دستان خالی ممکن نیست (۳۳۳۹).
- حکومت با سراسیمه‌گی با کرونا مبارزه می‌کند (۳۳۳۷).
- مقامات می‌گویند: اوضاع کرونای تحت مدیریت سربازان ملی قرار دارد (۳۳۴۱).
- تهدید کرونا در کشور ما فوق‌العاده بلند است (۳۳۴۹).
- ما هرگز به کرونا تسلیم نمی‌شویم (۳۳۳۱).
- ما کرونا را شکست می‌دهیم (۳۳۲۷).
- کرونا دشمن ناخواسته بشریت است (۳۳۰۲).
- افغانستان در برابر کرونا مبارزه جدی می‌نماید (۳۳۰۴).
- ما برای شکست کرونا به بسیج ملی نیاز داریم (۳۳۰۸).
- اگر مردم با ما همکاری نباشند، کرونا را نمی‌توانیم شکست بدهیم (۳۳۱۶).
- کرونا دشمنی است که با هیچ‌کس شوخی نمی‌کند (۳۳۱۷).
- کرونا به شما رحم ندارد (۳۳۱۸).
- کرونا در جامعه دهشت و اضطراب ایجاد کرده است (۳۳۱۹).
- با مراقبت‌های صحیح و توصیه‌های پزشکان کرونا را شکست می‌دهیم (۳۳۳۳).
- پزشکان سربازان خط مقدم نبراند (۳۳۳۶).
- افغانستان در مبارزه علیه کرونا تن به شکست در داد (۳۳۳۷).
- رشد فزاینده کرونا بحران اجتماعی را رقم می‌زند (۳۳۵۰).

- کرونا مردم ما را در چنان تنگنای اقتصادی قرار داده است که راهی بیرون رفت از آن به نظر نمی‌رسد (۳۳۲۱).

- کرونا در یک قدمی افغانستان رسیده است (۳۲۹۹).

- کرونا در کشور ما هنوز در مرحله کودکی قرار دارد (۳۳۱۷).

- مردم ما کرونا را نادیده می‌گیرند (۳۳۱۶).

- کرونا افغانستان را به سمت ناآشنا و تاریک رهبری می‌کند (۳۳۲۷).

- کرونا اقلیم جهان را تغییر داده است (۳۳۳۲).

- ما از کرونا هیچ هراسی نداریم (۳۳۳۳).

- کرونا اقتصاد افغانستان را متأثر ساخته است (۳۳۳۳).

- کرونا به هیچ کسی رحم ندارد (۳۳۱۴).

- کرونا دوست و دشمن نمی‌شناسد (۳۳۰۵).

- کرونا شش ماهه شد (۳۳۶۷).

- آمار مبتلایان بیماری کرونا از مرز ۳۰ هزار گذشت (۳۳۶۹).

- کرونا در افغانستان گردش خانه‌به‌خانه را شروع کرده است (۳۳۵۵).

- کرونا وارد خانه‌های مردم شده است (۳۳۶۲).

- داروی برای درمان کرونا در دسترس نیست (۳۳۶۷).

- ما به پایان عمر کرونا نزدیک هستیم (۳۳۶۹).

- کرونا از خوردن انسان‌ها لذت می‌برد (۳۳۷۰).

- کرونا درگیری تا بمبیری (مصراع از بیت).

پاره‌ها و ترکیب‌های استعاری، چون: «کرونای خشمگین»، «رویاری با کرونا»، «مبارزه با کرونا»، «مدیریت کرونا»، «تهدید کرونا»، «تسلیم نشدن به کرونا»، «شکست کرونا»، «غلبه بر کرونا»، «شوخی با کرونا»، «بی‌رحمی کرونا»، «وحشت کرونا»، «دهشت کرونا»، «اضطراب کرونا»، «مراقبت از کرونا»، «خط مقدم نبرد با کرونا»، «در یک قدمی کرونا»، «مرحله‌ی کودکی کرونا»، «رهبری کرونا»، «هراس از کرونا»، «تغییر کرونا»، «تأثیر کرونا»، «عمر کرونا»، «ابتلا به کرونا»، «گردش کرونا»، «ورود کرونا»، «خروج کرونا»، «بیماری کرونا»، «کرونا بمیرد»، «کرونا در بگیرد»، «کرونا خوار شود»، «داروی کرونا»، «ختم کرونا»، «خوراک کرونا»، «پیروزی کرونا»، «دوری از کرونا»، «فاصله کرونا»، «آسیب کرونا»، «قربانیان کرونا»، «محدودیت‌های کرونا» و غیره که در تیتراهای استعاری روزنامه ۸ صبح آمده، همه دلالت به استعاره مفهومی «کرونا دشمن است» می‌نماید. ترکیب‌ها، اصطلاح‌ها و واژگانی که در جمله‌ها و تیتراهای استعاری فوق بکار رفته است؛ بگونه معمول، همه در

حوزه قهریه و منازعه کاربرد دارند و همه روزه در ادبیات نظامی کشور ما قابل استفاده‌اند. این مسأله نشان می‌دهد که ذهن انسان سرشت استعاری دارد و بگونه استعاری می‌اندیشد؛ موجودی یا شیء، احساسی و یا پدیده انتزاعی را در صورت موجود یا پدیده فیزیکی و عینی بازنمایی زبانی می‌کند. آن گونه که در جمله‌های مذکور، «کرونا» بعنوان یک مفهوم ذهنی در ساختار یک موجود زنده و عینی (دشمن) قابل دسترس ساخته شده است. دشمنی که خشمگین است و به ما حمله می‌کند، قربانی می‌گیرد، جامعه را بحرانی می‌نماید، اقتصادی را مختل می‌کند، فرایند آموزشی را متوقف می‌سازد، سیستم بازرگانی و گشت‌گری را برهم می‌زند، معادلات سیاسی را نابه‌سامان کرده، مرزهای کشورها را به روی یکدیگر می‌بندد، جاده‌های پرازدحام شهرها را خالی از افراد نموده و فاصله‌های اجتماعی را بوجود می‌آورد. افزون بر این، به کمین انسان نشسته، او را طعمه خود می‌کند. اما، انسان نیز در مقابل دشمن (ویروس کرونا) بی‌تفاوت نیست، بلکه دست و آستین برزده و در برابر این دشمن پر قدرت برنامه‌های بهداشتی آماده کرده که از خود و هم‌نوع خود دفاع کند.

هرچند این دشمن صورت فیزیکی ندارد و نامرئی است (وجه خشونت‌آمیز کرونا قابل دید نیست)؛ اما ساختار مبارزه با ویروس کرونا در ذهن ما به اساس ساختار یک نبرد سنگین سازمان یافته است و ساختار عملکرد ما را در مبارزه با «کرونا» مشخص می‌نماید. به طریق اولی، «دشمن» و «کرونا» دو جنس از هم متفاوت‌اند، یعنی یکی آن بگونه عمده از جنس انسان است، می‌اندیشد و برای بقای خود تلاش می‌نماید و دیگر از جنس انسان نیست و به چشم دیده نمی‌شود (مگر بواسطه افزار پزشکی و در آزمایشگاه‌ها قابل مشاهده است)؛ اما ما ۱۳۵ وجه خصومت این ویروس را که نامدرک است، در صورت یک دشمن بازنمایی می‌کنیم تا قابل درک و دسترس شود. پرسش اصلی این است که انسان چگونه می‌تواند این مفهوم انتزاعی را در قالب یک دشمن که متعین است، صورت‌بندی نماید؟ بر بنیاد نموداری که لیکاف و جانسون در تحلیل و بازنمای یک مفهوم انتزاعی بر بنیاد یک مفهومی تجربی ارائه داشتند؛ در توصیف و تحلیل استعاره مفهومی «کرونا دشمن است»، برخی از ویژگی‌های متناظر حوزه «هدف» به حوزه «مبدأ» «نگاشت» می‌شود. طوری که سازه‌های حوزه هدف (کرونا) شبیه سازه‌های حوزه مبدأ (دشمن) بوده و در نتیجه می‌تواند این سازه‌ها جایگزین هم شوند. بدین معنا که در این استعاره مفهومی می‌توانیم به اساس حوزه مبدأ، به مفاهیم حوزه هدف دسترسی داشته باشیم. چنان که ارتباط میان سازه‌های متناظر حوزه‌های مبدأ و هدف را در جدول ذیل اینگونه می‌توان نشان داد:

تناظرهای هستی‌شناختی	
هدف: کرونا	مبدأ: دشمن
هدف: ویروس	مبدأ: رزمنده
هدف: انتشار کرونا	مبدأ: حمله دشمن

هدف: رعایت مسائل ایمنی	مبدأ: مقابله با دشمن
هدف: جان باختگان کرونا	مبدأ: قربانیان جنگ
هدف: بیماران کرونا	مبدأ: زخمیان جنگ
هدف: برنامه‌های صحیح	مبدأ: استراتژی جنگ
هدف: رعایت قرنطینه	مبدأ: فرار از دشمن
هدف: استفاده از غذاهای مقوی	مبدأ: تجدید قوا
هدف: داروها و واکسن‌ها	مبدأ: تجهیزات جنگ
هدف: آلوده شدن به کرونا	مبدأ: شروع جنگ
هدف: صحت‌یابی دوباره	مبدأ: پایان جنگ
<b>تناظرهای معرفت‌شناختی</b>	
<p>هدف: بیماری کرونا وقتی در یک جامعه انتشار یابد، نظام مسلط بر آن جامعه را با چالش‌ها و نابسامانی‌های متعدد روبرو می‌سازد. انتشار این بیماری سبب جان باختن و هلاک شدن انسان‌های زیادی می‌شود. طوری که یک شخص آلوده به بیماری کرونا می‌تواند، افراد دیگر را بدین مرض کشنده آلوده کند. افزون بر این، بیماری کرونا، باعث ایجاد بیماری‌های دیگری چون: مشکل‌های روحی و روانی، سیل و ناراحتی شده آرامش خانواده را فرو می‌پاشد. خلق ترس و وحشت، دوری گزیدن از دوستان و نزدیکان، ایجاد فاصله‌های اجتماعی، رعایت قرنطینه در چار دیواری خانه‌ها و محدودیت‌های مالی و معاشرتی از دیگر پیامدهای اجتماعی بیماری کرونا به شمار می‌رود که از زمان انتشارش تاکنون مردم در سراسر جهان از جمله افغانستان به آن درگیرند.</p>	<p>مبدأ: عمده‌ترین هدف دشمن در یک نبرد و منازعه ساقط نمودن نظام و قدرت هژمونی رقیب و دست یافتن به قدرت سیاسی و یا یک جغرافیای تعریف شده است. بنابراین، برای رسیدن به چنین هدفی، بر جبهه رقیب حمله می‌کند، رزمندگان و کارگزاران رقیب را به قتل می‌رساند، زخمی می‌کند، زندانی می‌نماید، وحشت و دهشت ایجاد می‌کند و ملت را از این طریق به تسلیم وادار می‌نماید. افزون بر این، منابع مالی و درآمدهای رقیب را مسدود می‌نماید تا دشمن را به حاشیه براند.</p>
<p>هدف: بیماری کرونا یکی از عامل‌های بسیار اساسی در گسترش فقر و بیچارگی مردم جهان بوده است. چنان‌که از زمان شیوع و انتشار این بیماری مردم در سراسر دنیا به مشکل‌های کلان اقتصادی، سیاسی، بازرگانی، بهداشتی و آموزشی روبرو شده‌اند. دروازه‌های مراکزهای آموزشی و تحصیلی در تمام کشورها از جمله افغانستان مسدود شده است. دو سال بدین‌سو جریان آموزشی در مکتب‌ها و تحصیلی در دانشگاه‌ها متوقف است. از اثر شیوع این بیماری فرایند بازرگانی کمرنگ شده، نارضایتی‌های خانوادگی افزایش</p>	<p>مبدأ: ناامنی، فقر، تنگ‌دستی، نارضایتی، بی‌سوادی، چالش‌های اقتصادی، سیاسی، آموزشی و بهداشتی موضوع‌ها و مسائلی‌اند که رابطه مستقیم به جنگ و دشمنی دارد. برای مثال، وقتی در یک جامعه دشمنی و خشونت وجود داشته باشد، شهروندان و مردم در آن جامعه نه سواد خوب دارند، نه اقتصادی خوب. کلان‌ترین دستاورد و سرمایه اینگونه جامعه‌ها؛ فقر و غربت، بیماری‌های مختلف و چالش‌های سیاسی می‌باشد.</p>

یافته و مردمان زیادی برنامه‌های کاری و درآمدهای خود را از دست دادند.	
هدف: انتشار بیماری کرونا در کشورهای مختلف جهان، چالش‌های فراوانی اجتماعی را به وجود آورده است. چون، شیوع این بیماری سبب آوارگی و مرگ انسان‌های بیشماری شده است. برخی از کشورها (حتی کشورهای مرکز) شمار زیاد از نیروی کاری و فعال خود را دست داده‌اند.	مبدأ: دشمنی و منازعه در یک کشور باعث آوارگی و فرار سرمایه‌های ملی و معنوی از آن کشور می‌شود و آن جامعه را به چالش‌های گسترده اجتماعی و نیروی انسانی مواجه می‌سازد.
هدف: بیماری کرونا از زمان شیوعش تاکنون گونه‌ها و چهره‌های مختلفی از خود به نمایش گذاشته است. از نوع چینی‌اش تا گونه بریتانیایی، از نوع دلتا تا گونه اومکرون و غیره. هر یک از این گونه‌ها به سهم خود قربانیان بی‌شماری را از جامعه‌های مختلف گرفته است. این در حالی است که کشورها و پژوهندگان زیادی تلاش نمودند که تا برای متوقف کردن کرونا داروها و واکسن‌های ضدکرونا تهیه بدارند، اما تا هنوز موفق به حل بنیادین این مشکل نشده‌اند.	مبدأ: بگونه عادی، دشمن برنامه‌ریزی بسته و تغییرناپذیر ندارد، بلکه مطابق به رویکرد رقیب خویش برنامه‌های سیاسی و جنگی خود را عوض می‌کند. لذا، در جریان منازعه بصورت معمول یک دشمن (چه فرد و چه گروه) از خود چهره‌های مختلفی به نمایش می‌گذارد تا از یک طرف رقیبش را بفریبد و از سوی دیگر اعتماد مردم و جامعه را بدست بیاورد.
هدف: کارگزاران جبهه ضدبیماری کرونا، پزشکان اند. پزشکان با این بیماری همواره در حال منازعه و کشوقوس هستند. غلبه بر کرونا و رهایی مردم جهان از چنگ آن، اساسی‌ترین مسئولیت پزشکان به شمار می‌رود. بنابراین، پیروزی و شکست آنان در برابر کرونا وابسته به برنامه‌های مبارزاتی و کاری آنان می‌باشد. بدین معنا که اگر پزشکان به مثابه کارگزاران اردوگاه ضدبیماری کرونا برنامه‌ها و سازوکارهای درست و ارزیابی شده بهداشتی داشته باشند، کرونا را زود یا دیر زمین‌گیر می‌نمایند و اگر از داشتن چنین برنامه‌های بی‌نصیب باشند، کرونا جان انسان‌های بیشتر را خواهد گرفت و مردم جهان را به چالش‌های صحیح و اجتماعی گسترده مواجه خواهد نمود.	مبدأ: هر دشمن رقیبی دارد و با رقیب خود همواره در ستیزه و نبرد است. شکست و غلبه دو عنصر اساسی‌اند که در جریان منازعه اتفاق می‌افتد. در فرایند منازعه شکست و پیروزی مربوط به نوع نگاه و مدیریت کارگزاران اردوگاه‌ها و خط‌های نبرد می‌باشد.
هدف: بررسی‌ها و مطالعه‌های پژوهندگان حاکی از آن است که در شیوع و انتشار بیماری کرونا انگیزه‌ها و سبب‌های زیادی نقش داشته است. ویروس کرونا از چین شروع شد و به سرعت تمام جهان را آلوده کرد. مردمان فراوانی در دنیا به این بیماری مصاب شدند که اغلب آنان دوباره صحت‌یاب	مبدأ: ایجاد دشمنی علت‌ها و انگیزه‌های فراوان دارد. دشمن کارش را به اثر یک اتفاق از یک یا چند آدرس شروع می‌کند، برای دسترس به اهدافش راه‌ها و گزینه‌های مختلف را بر می‌گزیند و به کارهای زیادی اقدام می‌ورزد. اما هیچ دشمن جاویدان و پایدار نیست، سرانجام هر دشمن

<p>گردیدند. با این وجود جان تعداد زیادی را این بیماری گرفت. اکنون کرونا سایه خود را در همه کشورها گسترده کرده است. طوری که، کشورهای بسیاری هنوز در قرنطینه هستند و مردم در آن جامعه‌ها اجازه بیرون رفتن از خانه‌های خود را ندارند. با این وجود، انتظارها آن است که روزی چه زود یا دیر، دانشمندان و پژوهندگان موفق به ساخت و کشف داروی شوند که این بیماری را متوقف بسازند و بشر را از شر آن در حفظ و امان داشته باشند.</p>	<p>(چه قوی و چه ضعیف) بصورت معمول از دو طریق: یا از طریق فشار و زور جانب مقابل و یا از طریق صلح‌سازی از فضای سیاسی و اجتماعی یک کشور ساقط می‌شود.</p>
---	---

مبتنی بر تناظرها یا نگاشت‌های میان حوزه‌ای استعاره مفهومی «کرونا دشمن است»؛ کرونا به مثابه یک مفهوم انتزاعی و غیرفیزیکی و بگونه گسترده در ساختار یک مفهوم تجربی و بسیار فیزیکی (دشمن) بازنمایی زبانی شده است. در این استعاره، کرونا مساوی به دشمن، شخص آلوده به کرونا مساوی به زخمی جنگ، جان باخته کرونا مساوی به قربانی جنگ، رعایت قرنطینه مساوی به فرار از دشمن، کارگیری از وسایل بهداشتی مساوی به پوشیدن سپر در برابر دشمن و استفاده از غذاها و میوه‌های مقوی مساوی به تجدید قوای دشمن است.

### نتیجه‌گیری

۱۳۸

استعاره در رویکرد جدید، یک نیاز سبکی یا هنر‌سازه ادبی - هنری صرف شمرده نمی‌شود، بلکه مفهومی است که تمام زندگی را زیر سیطره دارد. بدین معنا که انسان به شیوه استعاری می‌اندیشد، سخن می‌گوید و در یک جمله به شیوه استعاری زندگی می‌کند. استعاره با اینگونه شناخت و تعریف بنیاد زبان، تفکر و زندگی را تشکیل می‌دهد. بنابراین، می‌تواند گفت که زندگی انسان سرشار از استعاره‌ها است و این استعاره‌ها در تمام بخش‌های زندگی حضور گسترده دارد. طوری که متن‌های سیاسی، ادبی، اقتصادی، ورزشی، بهداشتی و اجتماعی همه سرشار از استعاره‌های متنوع هستند. بررسی و تحلیل استعاره‌های مفهومی کرونا در رسانه‌های افغانستان نشان می‌دهد که متن‌های بهداشتی و رسانه‌یی نیز بسیار استعاری است. چنان‌که در متن‌های رسانه‌ایی افغانستان، کرونا بگونه استعاری و در ساختار چیزها و اشیای فیزیکی متفاوتی بازنمایی زبانی شده است، مانند: «دشمن»، «انسان»، «گیاه/درخت» و غیره. اما بسامد کاربرد مفهوم تجربی «دشمن» نسبت به مفهوم‌های تجربی دیگر بیشتر بوده و در تیتراهای کرونایی روزنامه ۸ صبح انعکاس گسترده‌تر داشته است. آنگونه که کاوش‌های ما نشان می‌دهد تقریباً تمام تیتراهای کرونایی روزنامه ۸ صبح، در قابل دسترس نمودن مفهوم انتزاعی کرونا از مفهوم تجربی «دشمن» استفاده کرده است. بدین ملحوظ، ما در این پژوهش، از میان استعاره‌های مفهومی مختلف که بصورت عمومی در رسانه‌ها و مطبوعات افغانستان انعکاس داشته‌اند، تنها به



تجزیه و تحلیل استعاره مفهومی «کرونا دشمن است» پرداخته‌ایم. آن‌هم به سه دلیل: (۱) این استعاره، در واقع شایع‌ترین استعاره مفهومی کرونا در رسانه‌های افغانستان بشمار می‌رود. طوری که در زیرساخت همه متن‌های رسانه‌ای و بهداشتی راجع به بیماری کرونا استعار مزبور جریان دارد، (۲) تیتراهای کرونایی روزنامه ۸ صبح بصورت گسترده متشکل از این استعاره مفهومی بوده است و (۳) ویژگی‌های گزینشی مفهوم‌های کرونا و دشمن بیشتر از هر تجربه دیگر با هم متناظر به نظر می‌رسد. لذا، باتوجه به همین دلیل‌ها، ما تحلیل استعاره‌های مفهومی کرونا در رسانه‌های افغانستان را به استعاره مفهومی «کرونا دشمن است» محدود نموده‌ایم. استعاره مفهومی «کرونا دشمن است»، از لحاظ گونه‌های استعاری در دسته استعاره‌های ساختاری جاباز می‌کند. از نظر لیکاف و جانسون «استعاره ساختاری» بسط یافته‌ترین نوع استعاره‌های مفهومی به شمار می‌رود که در اینگونه استعاره‌ها، «ساختارچیزی» بر بنیاد «ساختار چیز» دیگر سامان‌دهی و دریافت می‌شود. نقش شناختی این دسته استعاره‌ها، آن است که انسان را قادر می‌سازد تا از طریق درک و دریافت حوزه مبدأ و بیشتر تجربی؛ حوزه هدف را که انتزاعی کم‌تر تجربی است، سامان‌دهی و دریافت نماید. چنان‌که در استعاره مفهومی «کرونا دشمن است»؛ کرونا به مثابه یک مفهوم انتزاعی در ساختار یک چیزی عینی (دشمن) قابل دسترس ساخته شده است. این درحالی است که مفهوم انتزاعی کرونا از طریق استعاره «هستی‌شناختی» نیز قابل بررسی و تحلیل می‌باشد.

## فهرست منابع

### فارسی:

- ۱- اسلامی، سعید (۱۳۹۷)، «بررسی نقش استعاره‌ها در زبان‌شناسی سیاسی دونالد ترامپ»، *رهیات‌های سیاسی و بین‌المللی*.
- ۲- افراشی، آریتا و دیگران (۱۳۹۴)، «استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی؛ تحلیلی شناختی و پیکرمدار»، *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، س ۶، ش ۲.
- ۳- افراشی، آریتا (۱۳۹۷)، *استعاره و شناخت*، چ ۱، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۴- چارتریس- بلک، جانانان (۱۳۹۸)، *تحلیل انتقادی استعاره: رویکردی شناختی - پیکره‌ای*، ترجمه: یکتا پناه‌پور، چ ۱، قم: انتشارات لوگوس.
- ۵- خادم‌زاده، وحید و سعیدی‌مهر، محمد (۱۳۹۳)، «استعاره‌های مفهومی علیت در دیدگاه لیکاف»، *دوفصلنامه فلسفی شناخت*، ش ۷۱.
- ۶- داوری اردکانی، رضا و همکاران (۱۳۹۳)، *زبان استعاری و استعاره‌های مفهومی*، چ ۲، تهران: انتشارات هرمس.
- ۷- رشیدی، مریم (۱۳۹۵)، *استعاره در گفتار نوجوانان: رویکردی شناختی*، چ ۱، تبریز: انتشارات زبان آکادمیک.
- ۸- فتوحی رودمعجنی، محمود (۱۳۹۵)، *سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*، چ ۳، تهران: انتشارات سخن.

- ۹- کوچش، زولتان (۱۳۹۵)، زبان، ذهن و فرهنگ: مقدمه‌ای مفید و کاربردی، ترجمه: جهان‌شاه میرزاییگی، چ ۱، تهران: انتشارات آگاه.
- ۱۰- کوچش، زولتان (۱۳۹۸)، استعاره‌ها از کجا می‌آیند؟ شناخت بافت در استعاره، ترجمه: جهان‌شاه میرزاییگی، چ ۲، تهران: انتشارات آگاه.
- ۱۱- لیکاف، جرج و جانسون، مارک (۱۳۹۷)، استعاره‌های که ما با آن زندگی می‌کنیم، ترجمه: هاجر آقابراهیمی، چ ۳، تهران: نشر علم.
- ۱۲- لانگاکر، رونالد (۱۳۹۷)، مبانی دستورشناختی، ترجمه: جهان‌شاه میرزاییگی، تهران: انتشارات آگاه.
- ۱۳- نیلی‌پور، رضا (۱۳۹۸)، زبان‌شناسی شناختی دومین انقلاب معرفت‌شناختی در زبان‌شناسی، چ ۳، تهران: انتشارات هرمس.

## لاتین:

- 14- Lazoff, George (1992). Metaphor and Thought. 2<sup>nd</sup> edition, Cambridge University press.
- 15- Evans, Vyvyan and Green, Melanie (2006). Cognitive Linguistics: An Introduction: Edinburgh University Press.
- 16- Lakoff, George (1993). the contemporary theory of metaphor. New York.